

## Al-Mawdūdī's *Tafhīm al-Qur'ān*

### And His Foundations in Interpreting the *Qur'ān*

Morad Esma'ili 

PhD student in *Qur'ān* and Hadith Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

Mohsen Nouraei 

Associate Professor of *Quran* and Hadith Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran (corresponding author: mnouraei@umz.ac.ir).

Mahdi Taqizade Tabari 

Assistant Professor of *Qur'ān* and Hadith Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran.



## Abstrac

The interpretation known as *Tafhīm al-Qur'ān* is authored by the contemporary Indian-Pakistani reformer and thinker, Abul A'la Mudūdī. It is among the respected exegeses well-received by the youth in the Indian subcontinent and, more recently, in Islamic countries. Considering its significance and position, the current research employs a descriptive-analytical method to elucidate the interpretive foundations of *Tafhīm al-Qur'ān*. While Mudūdī does not explicitly state his interpretive principles in his book, a thorough examination of *Tafhīm al-Qur'ān* reveals his most important interpretive foundations, which are in harmony with those of the majority of interpreters from both sects: the incorruptibility of the *Qur'ān* and the accuracy of all its contents, the wisdom of the *Qur'ān*, the eloquence of the *Qur'ān*, the lexical precision and rhetoric of the *Qur'ān*, the completeness and perfection of the meaning of some verses, the comprehensiveness of the *Qur'ān*, the universality of the *Qur'ān*, the need for interpreting the text of the *Qur'ān* due to its importance, necessity, and urgency, the possibility of interpreting the text of the *Qur'ān*, the multiplicity of the *Qur'ān*'s layers of meaning, the general statements of the *Qur'ān*, and the connection of *Qur'ānic* concepts with the culture of its time.

**Keywords:** *Qur'ān*, Tafsir *Tafhīm Al-Qur'ān*, Interpretive Basics, Sayyid Abul-Aala Maudoodi, Social Interpretation of the *Qur'ān*.

## Original Research


Received: 3/ 10/ 2023, accepted: 27/ 1/ 2024, and published: 27/ 1/ 2024, Pages: 41-68.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 doi: 10.22034/naghdeara.2024.188603

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



## مبانی تفسیری تفهیم القرآن

مراد اسماعیلی <sup>ID</sup>

دانش جوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

محسن نورائی <sup>ID</sup>

دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

(نویسنده مسئول: mnouraei@umz.ac.ir).

مهدی تقی‌زاده طبری <sup>ID</sup>

استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

### چکیده

تفسیر تفهیم القرآن تألیف مفسر و متفکر نوپرداز هندی - پاکستانی معاصر، ابوالاعلی مودودی است که از تفاسیر معتبر و مورد استقبال قشر جوان در شبه قاره هند و اخیراً در کشورهای اسلامی است. با توجه به این جایگاه و موقعیت، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی عهده‌دار تبیین مبانی تفسیری تفهیم القرآن است. مودودی در کتاب تفسیر خویش صراحتاً به مبانی تفسیری خویش اشاره ننموده است اما با تتبع انجام شده در تفسیر تفهیم القرآن، مهم‌ترین مبانی تفسیری وی که هم‌نوا با مبانی اکثر مفسرین فریقین است: تحریف ناپذیری قرآن و صحت همه مطالب آن، حکیمانه بودن قرآن، فصاحت قرآن، تدقیق لفظی و بلاغت قرآن، کامل و تمام نبودن معنای برخی آیات، جامعیت قرآن، جهانی بودن قرآن، نیازمندی متن قرآن به تفسیر بنابر اهمیت، ضرورت و فوریت آن، امکان تفسیر متن قرآن، تعدد لایه‌های معنایی قرآن، کلی‌گویی قرآن و ارتباط مفاهیم قرآن با فرهنگ زمانه خویش اند.

**کلیدواژه‌ها:** تفسیر تفهیم القرآن، مبانی تفسیری، ابوالاعلی مودودی، تفسیر اجتماعی.

### مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۱ش، پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۷ش، نشر: ۱۴۰۲/۱۱/۷ش، صفحه ۴۱ تا ۶۸.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

doi: 10.22034/naghdeara.2024.188603

## درآمد

رشد و بالندگی دانش تفسیر در هر دوره تاریخی با ظهور شخصیت‌های برجسته علمی و ارائه نظریه‌های جدید تفسیری و ابستگی مستقیمی دارد. از جمله مفسران اسلامی و شخصیت‌های برجسته قرن بیستم سید ابوالاعلی مودودی صاحب تفسیر **تفهیم القرآن** است که تفسیرش از مهم‌ترین تفاسیر نگاشته شده در شبه قاره هند و پاکستان است. این تفسیر به واسطه سادگی و بیان مفهوم آن مورد توجه و استقبال مسلمانان شبه قاره و اخیراً مسلمانان خاورمیانه قرار گرفته است و در مدت اندکی به زبانهای مختلف عربی، انگلیسی، فارسی، ترکی، بنگالی و جز آن‌ها ترجمه شده است.

نظر به این‌که مبانی تفسیری، عیار تفسیر را مشخص می‌سازد و مقدم بر دیگر مباحث تفسیری است ضرورت دارد مبانی تفسیری ابوالاعلی مودودی در تفسیر **تفهیم القرآن** به صورت مستقل بررسی شود که مبانی تفسیری نزد وی چه‌گونه اند و دارای چه سطحی از اعتبار علمی هستند؟ این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در پی وصول به این اهداف است.

علی‌رغم امتیازات و شاخص‌هایی که تفسیر **تفهیم القرآن** دارد تحقیقات علمی و پژوهش‌چندانی در مورد مبانی آن صورت پذیرفته است. پایان‌نامه‌ای با عنوان **بررسی و نقد روش تفسیر تفهیم القرآن** توسط محمدحسین باقری در دانشگاه جامعه المصطفی، و پژوهش‌هایی با عناوین: (۱) «نقد تفسیر **تفهیم القرآن** درباره آیات فضائل اهل بیت (ع) بر اساس دیدگاه مفسران فریقین» توسط عبدالله میراحمدی و زهرا مدرسی راد (**پژوهشهای تفسیر تطبیقی**، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش، ص ۱۸۵-۲۰۵)؛ (۲) «تأثیر باورهای کلامی و فقهی مفسران تفسیر نمونه و **تفهیم القرآن** در برداشت‌های تفسیری» (**مطالعات قرآن پژوهی نور وحی**، شماره ۱۴، پائیز و زمستان ۱۴۰۱ ش، ص ۴۳-۷۰) تحقیقاتی هستند که هر یک جنبه‌های غیر از مبانی تفسیری این کتاب را در مدنظر داشته‌اند. یگانه مطالعه مستقل در باب مبانی تفسیری وی، رساله مبانی و قواعد تفسیری **تفهیم القرآن** در دانشگاه مازندران است که توسط نویسنده این مقاله پدید آورده است.

## طرح مسئله

ابوالاعلی مودودی مفسر و متفکر معاصر اسلامی در سال ۱۹۰۳ میلادی در هندوستان متولد شده و در سال ۱۹۷۹ میلادی وفات یافت (گیلانی، *نگاهی به احوال، آثار و افکار سید ابوالاعلی مودودی*، ۵۴). استاد مودودی علوم ابتدائی هم‌چون عربی، قرآن، حدیث، فقه و زبان فارسی را از محضر پدر بزرگوارش آموخت (مودودی، *اصطلاحات چهارگانه درقرآن*، ۲۲). پدرش به شدت علاقه داشت به این‌که فرزندش در دین متبخر و عالم دین شود. به همین خاطر از همان اوائل تحصیلات ابتدائی، روند تحصیلی او را زیر نظر گرفت و تحصیل دروس دینی را برای او برگزید (موسوی، *ابوالاعلی مودودی...* ، ۳۲).

مودودی بر آن بود که یگانه پایه و اساسی که قادر است صلاحیت دار زیربنای اخلاق انسانی قرار گیرد اسلام است (مودودی، *تئوری اخلاقی اسلام*، ۶۵-۶۴). وی بر آن بود مبانی اسلام را توضیح دهد و ضرورت‌های زمانه را پاسخ دهد لذا برای وصول به این هدف، ده‌ها کتاب متنوع در موضوعات مختلف نوشت و نه تنها در پاکستان و به زبان اردو بلکه در سراسر جهان و به حدود ۲۳ زبان زنده دنیا منتشر ساخت (گیلانی، *نگاهی به احوال، آثار و افکار سید ابوالاعلی مودودی*، ۱۷۴-۱۷۵).

ابوالاعلی مودودی تفکر تقریبی دارد و از نظر وی بر اساس خداپرستی؛ هیچ‌گونه فرق و رجحانی بنابر قومیت، نژاد، کشور، رنگ و زبان وجود ندارد (مودودی، *نهیضت و منسوبین آن*، ۱۹) و اسلام واقعی آن است که به قلب و ایمان یک شخص تعلق دارد ولی اسلام قانونی و فقهی عبارت است از قبول شفاهی دین اسلام و گفتن کلمه لا اله الا الله. وقتی کسی این کلمه را بخواند و هم‌چنین به پیامبر (ص) و قرآن و آخرت و دیگر ضروریات دین با زبان اقرار کند وی در دایره اسلام داخل شده است و در همه معاملات با آن شخص به عنوان یک مسلمان برخورد می‌شود و هیچ کس حق ندارد او را تکفیر کند یا نسبت به مسلمانی او شک کند و همه کسانی که این کلمه را گفته اند به یک امت اسلامی واحد تبدیل می‌شوند. (مودودی، *خطبات*، ۱۰۳-۱۰۴؛ مودودی، *خطبه‌های نماز جمعه*، ۸۵-۸۴).

از نظر مودودی مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل ایجاد اختلاف و گسستگی در بین مسلمانان ظهور تعصبات قومی و نژادی بوده است که بعدها در قالب تعصبات خشک مذهبی نیز نمایان شد و عامل اصلی اختلاف بین مذاهب اسلامی گردید (امیرخانی، «ابوالاعلی مودودی و جریان نوسلفی گری»، ۱۷۴-۱۴۳). نظام فراگیر اسلام علاوه بر آنکه ضامن سعادت و خوشبختی و خیر نهایی انسان است قادر است او را از تمام نامایمات، بیماری‌ها، گرفتاری‌ها، شرارت‌ها و ظلم و ستم‌ها رهایی بخشد. در عین حال دین اسلام برای محقق شدن آمال مذکور به دنبال لغو و فروپاشی نظام‌های ناصالح و حاکم نمودن خود به جای آنهاست. نظام‌های که دنیاگرایی، ملی‌گرایی و دموکراسی غربی محتوای آنهاست (مودودی، پیام ما، ۱۶).

نسب او بعد از ۳۸ نسل و از طریق امام هادی ابوالحسن علی النقی (ع) به امام حسین (ع) می‌رسد (تیموری بازگری، *نقد و بررسی اندیشه‌های سید ابوالاعلی مودودی*، ۴۵). تفسیر *تفهیم القرآن* اثر سید ابوالاعلی مودودی به زبان اردو و در شش جلد به نگارش درآمده و وی در طول سی سال به کتابت آن مشغول بوده است. مهم‌ترین منابع و کتب تفسیری مورد استفاده در تفسیر *تفهیم القرآن* عبارتند از: *جامع البیان طبری*، *معالم التنزیل بغوی*، *تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر*، *کشاف زمخشری*، *روح المعانی آلوسی* و *الجامع لأحكام القرآن قرطبی* (عبدالحمّی، *ابوالاعلی مودودی فی سطور*، ۵۴).

این تفسیر به زبان‌های متعددی از جمله عربی، انگلیسی، بنگالی، هندی، ترکی، پشتو و ... ترجمه شده است و توسط کلیم‌الله متین و اخیراً عبدالغنی سلیم قنبرزهی به فارسی ترجمه گردیده است. تفسیر *تفهیم القرآن* در سال ۲۰۱۰ میلادی به زبان انگلیسی ترجمه شده است و ۳۶۸'۹۹۹ نسخه از آن انتشار یافته است (سوناگا، *ویژگی‌های تفاسیر قرآنی به زبان اردو...*، ۱).

گرایش تفسیر *تفهیم القرآن*؛ اجتماعی و بر مبنای پذیرفتن این اصل است که تفسیر امروز باید با تفاسیر گذشته تفاوت پیدا کند و مفسر معاصر برای پر کردن فاصله میان عصر نزول *قرآن* و عصر تفسیر تلاش نماید (خورشید احمد، *یک کتاب انقلاب*، ۲۵). تفسیر *تفهیم القرآن* برای جوانان تحصیل کرده و مردم عادی نگاشته شده است و تلاش مودودی آن است که فهم

قرآن را برای مردم آسان‌تر سازد (نقوی، تفسیر و مفسران در هند، ۱۲۶-۱۲۲).

مودودی آیات قرآن را به کمک آیات دیگر و روش تفسیری قرآن با قرآن و گاه با کمک روایات نبوی و روایات رسیده از اصحاب و تابعین تفسیر می‌نماید به نحوی که مفهوم همگان باشد. بیش‌ترین توجه و اهتمام ابوالاعلی مودودی، تفسیر آیات قرآن با آیات دیگر است. وی گاهی در تفسیر آیه‌ای، از آیات دیگر قرآنی بطور کامل استفاده می‌کند و گاهی به آوردن ترجمه آیات دیگر اکتفا می‌کند و گاهی اوقات بدون این‌که آن آیات را ذکر کند و یا ترجمه آنها را بیاورد با استفاده از مفهوم آن آیات، آیه مورد نظر را تفسیر می‌کند (حقیقت نیا، ابوالاعلی مودودی و منهجه التربوی فی تفسیره...، ۱۰۳). نکته خاص در اسلوب تفسیری مودودی؛ آن است که وی نیز هم‌چون سایر مفسران به تفسیر آیات با استفاده از سنت نبوی (ص) پرداخته‌اند ولی با این تفاوت که وی به جوانب اجتماعی آیات اهتمام بیشتری داشته‌اند (ترابی، الأستاذ ابوالاعلی مودودی و منهجه فی تفسیر القرآن الکریم، ۳۷۶).

در برخی موارد خاص نیز مودودی اقدام به تفسیر آیات قرآن در سایه آثار به جای مانده از صحابه و تابعین و علی‌الخصوص امامان تفسیر و فقه می‌نماید و با استفاده از آراء و اقوال وی سعی می‌نماید مراد قرآنی را بیابد (مودودی، تفهیم القرآن، ۱/ ۴۵۲-۴۵۳). مودودی هم‌زمان با نوشتن کتاب تفسیرش؛ تفهیم القرآن، به وقایع در جریان پیرامونش توجه جدی داشت و روند کتابت تفسیر تفهیم القرآن را با اتفاقات اجتماعی پیش می‌برد. آنچه مایه تحول و سبب جذابیّت در این کتاب تفسیری شده است گرایش مودودی به اندیشه اجتماعی و برجسته نمودن پیام‌های آن و انطباق آن با مسائل روز است.

ابوالاعلی مودودی در ضمن ترجمه هر آیه با نگرش به زندگی انسان و نیازهای واقعی و مشکلاتی که بر سر راه جامعه امروزی وجود دارد رابطه و همگونی برقرار می‌کند و تعالیم جامعه‌ساز قرآنی را مناسب با مخاطب خود بیان می‌کند و به اصطلاح؛ به تفسیر عصری می‌پردازد و تلاش دارد که به پر کردن فاصله میان عصر نزول قرآن و عصر تفسیر بپردازد. به عبارت دیگر؛ فاصله زمانی از عصر نزول سبب شده است تا فضایی که مسلمانان در آن زندگی می‌کردند و تلقی آنان از هدف نزول قرآن و التزام عملی به آن به تدریج دگرگون گشته و در پی

آن، مسلمانان امروزی از فهم معنای عینی قرآن فاصله پیدا کرده‌اند (ایازی، قرآن و تفسیر عصری، ۳۰).

از دیگر گرایش‌های تفسیری تفهیم القرآن، گرایش به تقریب میان مذاهب اسلامی است. این تفسیر با گرایش تفسیری تقریبی‌اش، به دنبال برقرار نمودن وحدت و ایجاد تفاهم مذهبی و کاهش تعصب فرقه‌ای و تفرقه مذهبی در جوامع اسلامی است و معتقد است که محاصمه و درگیری مذهبی، برخلاف مبانی و قواعد صریح و جاوید دین مبین اسلام است و خطری بزرگ برای وحدت اسلامی است (مودودی، تفهیم القرآن، ۱/ ۳۰۰).

### ۱. ویژگی‌های الفاظ قرآن از نگاه مودودی

مبانی تفسیر قرآن به پیش فرض‌ها و باورهای اعتقادی یا علمی اطلاق می‌گردد که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آنها به تفسیر قرآن می‌پردازد و از این رو مفسران ناگزیرند عملاً مستقیم و یا غیر مستقیم این قبیل زیرساخت‌های فکری خود را در پیوند با عناصر اساسی دخیل در فرایند تفسیر قرآن مشخص کنند (شاکر، «جستاری در زبان قرآن»، ۱۰۹-۱۲۲). در جهت ایضاح بیشتر موضوع می‌توان گفت که مبانی تفسیری، پیش فرض‌های ضروری تفسیرند که مفسر قبل از ورود به تفسیر قرآن، باید آنها را به مثابه مقبولات ذهنی بپذیرد و به آنها توجه داشته باشد زیرا گاه بدون برخورداری از این مبانی، اساساً فهم و تفسیر قرآن کریم امکان پذیر نیست (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۷). مهم‌ترین مبانی تفسیری ابوالاعلی مودودی در تفسیر تفهیم القرآن که در تعیین روش تفسیر و برداشت‌های تفسیری وی مؤثر بوده‌اند به شرح ذیل‌اند:

#### ۱-۱) تحریف ناپذیری قرآن و صحت همه مطالب آن

هدف از صحت همه مطالب قرآن، آن است که قرآن به طور تمام و کمال، صدق و راستی است و از هرگونه کژی و ناراستی به دور است. صحت همه مطالب قرآن ناشی از راستی و صداقت خالق و ماتن آن است که عین حق است و باطل از او سر نمی‌زند. مودودی در تفسیر تفهیم القرآن این باور و پیش فرض را همیشه همراه داشته است که قرآن، کتابی محکم و استوار

و به دور از هرگونه شک و شبهه است و به صحّت همه مطالب آن اقرار داشته است. وی در تفسیر آیه ۴۲ سوره فصلّت «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» آورده است:

معنا و مفهوم این که «باطل نه از پیش روی آن می‌تواند به آن راه یابد»؛ آن است که اگر کسی به صورت مستقیم بر قرآن حمله کند و آموزه‌ای از آموزه‌های آن را باطل و نادرست ثابت کند موفق به این کار نخواهد شد و معنا و مفهوم این که «و باطل نه از پشت سرش می‌تواند به آن راه یابد»؛ این است که هیچگاه حق و حقیقت و صداقتی که برخلاف حقایق عرضه کرده قرآن باشد کشف نخواهد شد ... و افزون بر آن معنا و مفهوم آن این هم هست که باطل چه از روبرو حمله کند و چه از راه‌های نهانی غافلگیرانه حمله کند در هر حال نمی‌تواند دعوتی را شکست دهد که قرآن آن را عرضه داشته است (مودودی، تفهیم القرآن، ۵/ ۳۵۶).

قرآن حاضر، همان قرآن نازل شده بر پیامبر (ص) است و بدون هیچ زیاده و یا نقصانی به دست ما رسیده است و از گزند حوادث به سلامت عبور نموده و دچار تحریف نشده است و همه مطالب آن در کمال صحّت و سلامت به دست ما رسیده است. سید ابوالاعلی مودودی عدم تحریف قرآن را می‌پذیرد و کتاب الهی موجود را دقیقاً همان قرآنی به شمار می‌آورد که بر پیامبر (ص) نازل شد و اصحاب و تابعان می‌خواندند. وی در تفسیر آیه نهم سوره حجر «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (اما این ذکر؛ آن را خود ما نازل کرده ایم و خود ما هم نگهبان آن هستیم) آورده است: ... این ذکر به طور مستقیم تحت حفاظت است نه با از بین بردن شما از بین می‌رود و نه با تحت فشار گذاشتن شما تحت فشار قرار می‌گیرد و نه با اعتراضات، طعنه‌ها و استهزاهای شما ارزش آن پائین می‌آید و نه از جلوگیری شما دعوت آن متوقف می‌شود و نه کسی می‌تواند در آن تحریف و تغییراتی ایجاد کند (مودودی، همان، ۱/ ۵۶۰). بنابراین عقیده ابوالاعلی بر آن است که اصل و مبنای الهی بر مصونیت قرآن و حفظ و حراست آن از هرگونه تغییر و تحریف از ابتدا تا ابد است.

## ۲-۱) فصاحت قرآن

اصطلاحاً فصاحت را بکارگیری الفاظ روشن و گویا تعریف نموده اند به گونه ای که فهم

آنها آسان باشد و نویسندگان و شاعران با این الفاظ به خاطر زیبایی آنها مأنوس باشند (الهاسمی، ترجمه و شرح جواهر البلاغه، ۱۵). کتاب الهی قرآن با زبان و ادبیاتی دارای فصاحت و روشن بر پیامبر (ص) فرود آمده است و این غنای فصاحت به دو دلیل است: اولاً؛ برای آنکه قرآن بتواند در جذب مخاطبانش فروگذار نباشد و دوماً؛ به این دلیل که قرآن برای وصول به هدف نهایی خویش که همانا هدایت انسان است باز نماند زیرا در غیر اینصورت قرآن کتابی نافصیح است و عدم فصاحت آن لزوماً موجب عدم کارآمدی جهت هدایت می‌شود.

مودودی به فصیح بودن قرآن معتقد است و قرآن را کتابی با زبان و ادبیاتی فصیح می‌داند که آیات، جملات و سوره‌های آن از هرگونه گنگی، بدفهمی و نافهمی بدور است. وی در تفسیر آیه دوم سوره یوسف «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (ما آن را به صورت قرآنی عربی نازل کردیم تا شما [عربها] آن را خوب بفهمید) می‌گوید: این بدان معنا نیست که این کتاب تنها برای عرب‌ها نازل شده است بلکه مفهوم اصلی این جمله آن است که: «ای عرب‌ها! ما این کتاب را به زبان یونانی یا ایرانی بر شما نمی‌خوانیم بلکه این کتاب به زبان خود شما به شما عرضه می‌شود. از این رو نمی‌توانید عذر و بهانه بیاورید که این کتاب برای ما قابل فهم نیست و این هم ممکن نیست که جنبه اعجازی این کتاب که بر کلام الهی بودن آن شهادت می‌دهد از نگاه شما پنهان بماند (مودودی، تفهیم القرآن، ۲/۴۳۶).

هم‌چنین وی در تفسیر آیه سی و چهارم سوره طور «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (پس اگر راست می‌گویند سخنی هم‌چون آن بیاورند) آورده است: قرآن عالی‌ترین و کامل‌ترین نمونه ادبیات زبانی است که به آن نازل شده است. در تمام کتاب حتی کلمه و جمله ای که پایین تر از سطح معیار باشد، وجود ندارد. هر موضوعی که بیان شده است در قالب بهترین کلمات و مناسب‌ترین شیوه بیان ارائه شده است. موضوعاتی بارها مورد بحث قرار گرفته است اما نحوه تعبیر و بیان چنان تازه و نو است که در آن نشانی از ملال آوری و نازیبایی تکرار دیده نمی‌شود. از آغاز کتاب تا پایان آن میان کلمات چنان هماهنگی و انسجامی وجود دارد که گویی کلمات هم‌چون نگینی تراشیده شده و کنار هم نهاده شده و نصب شده‌اند. این کلام به

قدری تأثیرگذار است که هیچ زبان دانی به هنگام شنیدن آن نمی تواند از اظهار شگفتی خودداری کند، حتی که روح منکران و مخالفان نیز به وجد درمی آید.... این کتاب، زبان عربی را چنان تحت تسلط و هیمنه خویش قرار داده است که امروز نیز معیار فصاحت این زبان، همانی است که چهارده قرن پیش از این، **قرآن** آن را وضع کرده بود، در حالی که زبان ها در طول چنین مدتی به کلی دگرگون می شوند. هیچ زبانی در دنیا وجود ندارد که در چنین مدت درازی از منظر املاء، إنشاء، محاورات، دستور زبان و اصطلاحات و کلمات مستعمل تغییر نیافته باشد اما این تنها توان و قدرت **قرآن** بوده که به زبان عربی اجازه نداده است از جای خودش تکان بخورد. حتی یک واژه بکار رفته در **قرآن** تا به امروز متروک نشده است و تمام محاورات آن هنوز هم در زبان عربی مورد استفاده قرار می گیرد. ادبیات آن هنوز هم معیار ادبیات عرب است و در گفتار و نوشتار امروز هم همان زبانی که **قرآن** چهارده قرن پیش از آن استفاده کرده بود، زبان فصیح به شمار می رود. آیا در هیچ زبانی از زبانهای دنیا، کتابی این چنین که نوشته یک بشر باشد، وجود دارد؟ (مودودی، همان، ۱۳۴/۶).

### ۳-۱) دقت لفظی قرآن و بلیغ بودن آن

از خصوصیات الفاظ و واژگان قرآنی، بالا بودن دقت و ظرافت در چینش و گزینش لفظی آنهاست. از مهم ترین جنبه های تمایز کتاب الهی و کتب بشری، همین دقت لفظی اعلا **قرآن** است تا ظرفیت پوشش محتوا و معنای اعلا پیام الهی را داشته باشد و همه زمینه های مرتبط با هدایت بشر را پوشش دهد. این ظرافت و باریک بینی؛ معلول باریک بینی و ظرافت خالق و ماتن کتاب الهی است که با توجه به دارا بودن دو صفت «لطیف» و «مصور» دقت و ظرافت لفظی اعلا به وفور در کلامش، قابل وصول و برگرفتن است.

سید ابوالاعلی مودودی در تفسیرش به این مبنا پایبند است و ترکیب جملات و کلمات کتاب الهی را بسیار ظریف و دقیق و از روی نظم خاصی می دانسته است و چینش هریک از کلمات آن را از روی معنا و مفهومی ویژه بشمار می آورده است. برای نمونه وی در تفسیر آیه ۱۷۸ سوره بقره «فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ» (البته اگر با قاتل برادرش آماده مقداری نرمش باشد باید مسئله خون بها به روش معروف حل شود) می نویسد: با بکار بردن

کلمه «برادر» به روش بسیار لطیف، سفارش به نرمی هم شده است. مفهوم این است که گرچه در میان شما و شخص دیگری، پدرکشتگی وجود داشته باشد اما با وجود این، او برادر انسانی توست. از این رو اگر در برابر یک برادر خطاکار خود، خشم انتقامتان را فرو برید این از منظر انسانیت برای شما شایسته‌تر است (مودودی، همان، ۱/ ۱۶۶). پس با بکار بردن کلمه «أخی» به گونه‌ای ظریف و دقیق، مفهوم اعلای خویش را رسانده است.

یا مثلاً در سوره فاتحة الكتاب برای آنکه حق مطلب را در باب رحمانیت خدا به صورت تمام و کمال بیان کند با وجود به کار بردن یک کلمه مبالغه آمیز، برای آنکه حق مطلب را ادا کند به گونه‌ای ظریف و دقیق، واژه مبالغه‌ای دیگری به کار می‌برد تا به وسیله آن، کمبودی را که در واژه نخست احساس می‌شود جبران نماید. وی در این باره می‌نویسد: رحمان در زبان عربی واژه‌ای بس مبالغه آمیز اما رحمت و مهربانی خدای بلندمرتبه بر مخلوقاتش آن قدر زیاد و پهناور و آنقدر بی حد و حساب است که در توصیف آن پس از به کارگیری مبالغه آمیزترین واژگان باز هم کمبود احساس می‌شود از این رو برای رساندن فراوانی رحمت خداوند، پس از واژه رحمان، واژه رحیم نیز افزوده شده است (مودودی، همان، ۱/ ۶۶). پس با چینش دقیق کلمات و گزینش ظریف آنها حق مطلب را ادا نمود که این روش، اسلوب دائمی قرآن است.

بلاغت نیز به ابلاغ (مصدر باب افعال) به معنای رساندن تفسیر شده است و بلاغت در سخن به رساندن معنا در بهترین ساختار زبانی به نحوی آشکار تعریف می‌شود (ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، ۳۰). تدقیق لفظی و بلیغ بودن قرآن از اهداف اساسی خالق آن است چون هدف هدایتگری قرآن به سبب نابلیغ بودن آن در نطفه مسکوت خواهد ماند. قرآن بنا بر بلیغ بودن، حسب حال مخاطبانش، مطالبش را ارائه می‌دهد و نزول تدریجی قرآن در طول سالیان متعدد و در اوقات و امکنه مختلف در جهت درک و آسانی و مفهوم بودن آن و نهایتاً بلیغ بودن قرآن بوده است. مبنای بلیغ بودن قرآن و مملو از بلاغت بودن این کتاب آسمانی، مورد تأیید و مقبول مودودی در تفهیم القرآن است. وی در تفسیر آیه ۲۸ سوره زمر و در تفسیر عبارت "غیر ذی عوج" (هیچ کژی‌ای در آن نیست)؛ قرآن را کلامی بلیغ، غنی و رسا می‌داند و می‌گوید: در آن، مطالب مبهم و گنگ و چیستان گونه‌ای هم وجود ندارد که

انسان در فهمیدن آن دچار مشکل شود بلکه آنچه در آن فرموده شده است روشن و ساده است که هر انسانی با خواندن آن متوجه می‌شود که این کتاب چه رفتاری را نادرست می‌داند و چرا نادرست می‌داند و چه اعمالی را صحیح می‌داند و بر چه اساسی صحیح می‌داند (مودودی، *تفهیم القرآن*، ۱۵/ ۲۵۰).

هم‌چنین وی در باب اعتقاد به مبنای بلیغ بودن *قرآن* و در تفسیر آیه اول سوره کهف «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا» (ستایش خدایی را که این کتاب را بر بنده خود فرو فرستاد و هیچ‌گونه کژی در آن ننهاد) می‌آورد: یعنی نه در آن سخنی گنگ و مبهم وجود دارد که غیرقابل فهم باشد و نه در آن سخنی که از خط مستقیم حق و صداقت فاصله و انحراف داشته باشد و انسان راستی پسند و حق جوئی در پذیرفتن آن تردید داشته باشد وجود دارد (مودودی، همان، ۳/ ۹۲) که این اعتقاد دال بر آن است که بلاغت *قرآن* از مبانی تفسیری مورد قبول مودودی است.

#### ۴-۱) کامل و تمام نبودن معنای برخی آیات *قرآن*

منظور از این مبنا آن است که به صورت حتمی و لزومی همه آیه‌های *قرآن* از جهت معنی، کامل و جامع نیستند و نباید هر آیه از آیات کتاب الهی را دارای بار معنایی کامل، جامع و مستقل دانست. در میان آیات *قرآن* آیاتی هستند که از جهت معنایی، ناقص و به واسطه آیات قبل و یا بعد و یا آیات دیگر *قرآن*، معنای آنها کامل می‌شود و در کنار آیات دیگر، مکمل هم هستند. در نتیجه پذیرش این مبنا؛ مفسر از تفسیر ناقص و آیه‌ای مجرد می‌پرهیزد و به تفسیر جامع و سوره‌ای و آیه به آیه (مکمل) می‌پردازد و روش تفسیری *قرآن* به *قرآن* که مطمئن‌ترین روش تفسیری *قرآن* است را برمی‌گزیند. روشی که *قرآن* خود در آیه ۸۲ سوره نحل آن را تأیید کرده است (و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ)؛ وقتی *قرآن* مبین هر چیزی است چطور می‌شود بیانگر خویش نباشد و مبهم باشد. مودودی، آیات *قرآن* را واحدهای مستقل و جدا از هم نمی‌داند که قادر به برداشت جامع و کاملی از آنها بود و معتقد است که آیات باید با توجه به آیات دیگر تفسیر شوند. وی در تفسیر آیه ۴۶ سوره رحمان «وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (و برای هر آن کسی که از ایستادن در پیشگاه پروردگارش بیم داشته باشد، دو باغ است)؛ آیه‌های

بعدی را توضیح دهنده و تفسیرگر واژه «جنتان» می‌داند که دو باغ وعده داده شده چه ویژگی‌های دارند و در این باره آورده است که به هر شخصی نیکی در آن باغ بزرگ، دو باغ داده خواهد شد و در آنها با متعلقان و خادمان خود با شأن و شکوه شاهانه‌ای زندگی خواهد کرد (مودودی، همان، ۶/ ۲۴۲). نمونه دیگری که در مورد تمام نبودن معنای برخی آیات در تفهیم القرآن می‌توان ذکر نمود تفسیری است که علامه مودودی در باب آیه سوم سورة عصر و عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا» (مگر کسانی که ایمان آورده اند) که با ارجاع به آیات متمم آورده است:

آن چه را که قرآن ایمان حقیقی معرفی می‌کند، آن را در این آیه‌ها به صورت کامل، روشن فرموده است: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا) «مؤمنان واقعی در اصل کسانی اند که به الله و پیامبرش ایمان آورده اند و سپس دچار شک و تردید نشده اند» (حجرات: ۱۵) (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْهَمُوا) «همانانی که گفتند رب ما الله است و سپس بر این استوار و پابرجا ماندند» (فصلت: ۳۰) و... (مودودی، همان، ۷/ ۴۷۲-۴۷۱).

این گونه موارد نشانگر مکمل بودن آیات قرآن از جهت معنا و تفسیر و نه مستقل بودن آنها به خودی خود است.

## ۲. ویژگی‌های مفاهیم قرآن

### ۲-۱) تعدد لایه‌های معنایی قرآن

فراگیری و پوشش کلمات و جملات قرآنی بر لایه‌های متنوع به صورتی که بعضی اوقات، انطباق کلمات و جملات آن بر چند لایه و سطوح معنایی متعدد، صادق باشد از دیگر مبانی تفسیری است که مورد قبول و استفاده و از اصول کاری ابوالاعلی مودودی در تفهیم القرآن است؛ به گونه‌ای که سطوح معنایی در طول هم قرار می‌گیرند و سطوح معنایی مافوق، سطوح معنایی مادون را تصدیق می‌نمایند. این مبنا از مبانی تفسیری قرآن، به صورت اجماعی مورد قبول است و از آن با عبارت‌هایی هم‌چون ساحت‌های فهم و بطون قرآن کریم (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱/ ۱۳۲)، ساختار چند معنایی قرآن (مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ۱۶۱) و معنای باطنی همسوی معنای ظاهری (رستم نژاد، «گونه شناسی روایات تفسیری»، ۱)

یاد می‌شود.

تبیین عقلی این مبنا، مستلزم جاودانگی و جهانی بودن قرآن است و چون سور و آیات قرآن توان و ظرفیت معانی و مفاهیم متنوع را دارند پس قرآن نیز قابلیت انطباق خویش را با اعصار و اماکن مختلف به واسطه تعدد سطوح و لایه‌های معنایی مختلف حفظ نموده است. مودودی نیز به منعطف بودن و شناور بودن مفاهیم و عبارات قرآنی معتقد بوده است. مثلاً وی در تفسیر آیه ۲۳۸ سوره بقره «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (از نمازهایتان محافظت کنید و به ویژه از نمازی که جامع نیکویی‌های نماز باشد و در برابر خدا همانند بنده فرمانبردار بایستید) و در تفسیر ترکیب «الصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ» آورده است:

برخی از مفسران گفته‌اند مراد از آن نماز صبح است برخی گفته‌اند نماز ظهر مراد است. برخی گفته‌اند نماز مغرب مراد است و برخی گفته‌اند نماز عشاء مراد است اما هیچ یک از این اقوال از پیامبر (ص) نقل نشده است بلکه تنها تأویل اهل استنباط است. بیش‌ترین اقوال هم در مورد نماز عصر نقل شده‌اند و گفته شده است که رسول الله (ص) همین نماز را نماز وسطی قرار داده است اما واقعه‌ای که این نتیجه از آن استخراج شده است فقط از این قرار است که در جنگ احزاب هجوم مشرکان به قدری رسول الله (ص) را به خود مشغول نمود که خورشید در آستانه غروب قرار گرفت و رسول الله (ص) نتوانسته بود نماز بخواند. در این هنگام پیامبر (ص) فرمودند: خدا قبرها و خانه‌های اینان را از آتش پر کند که اینان نماز وسطی ما را قضا کردند. از این کلام چنین استنباط شده است که رسول الله (ص) نماز عصر را نماز وسطی قرار داده‌اند در حالیکه مفهوم درست‌تر این ارشاد نزد ما این است که این مشغولیت، فرصت نماز عالی را از ما گرفت مجبوریم نماز را با تأخیر بخوانیم، با شتاب بخوانیم و نتوانیم با خضوع و خشوع و آرامش و اطمینان بخوانیم. وسطی هم معنای میانه را می‌دهد و هم معنای اعلی و اشرف را، از این رو از نماز وسطی هم نماز میانه می‌تواند مراد باشد و هم نمازی که با کمال خشوع و خضوع و توجه‌ی الی الله خوانده شود و در آن همه خوبی‌ها نماز وجود داشته باشد. خود جمله بعدی «در برابر خدا همانند بنده فرمانبردار بایستد» این صلاة وسطی را تفسیر می‌کند (مودودی، تفهیم القرآن، ۱/ ۲۰۹-۲۱۰).

مودودی در تفسیر آیه فوق تعدّد سطوح معنایی و چند معنایی الفاظ قرآنی را در طول هم می‌پذیرد در حالی که قابل جمع هستند و هیچ تمایزی میان آنها دیده نمی‌شود.

## ۲-۲) کلی‌گویی قرآن

کلی‌گویی قرآن به این معناست که قرآن در تبیین مفهوم و موضوعات خویش بعضی اوقات به گونه‌ای کلی صحبت نموده است و از ذکر جزئیات دین به گونه‌ای آشکار و واضح دوری نموده است و این خصوصیت به آن دلیل است که دین به غیر از قرآن، منابع دیگری هم جهت درک و استنباط دارد که به آنها باید رجوع نمود. به عنوان نمونه؛ قرآن درباره آیات الاحکام حول محور نماز، تنها به ذکر کلیاتی اکتفا نموده است و از ذکر جزئیات صرف نظر نموده است. خصوصیت کلی‌گویی قرآن؛ این بصیرت را به مفسّر آن می‌بخشد که الزاماً نباید در کتاب الهی به دنبال تمامی جزئیات بود و آیه‌های قرآن را در حدّ کلیاتی که ابراز نموده‌اند باید تفسیر نمود.

ابوالاعلی مودودی هم به این مبنا معتقد است و آیات قرآن را با باور به این مبنا، تفسیر نموده است. از نگاه وی، قرآن قانون اساسی اسلام است و باید در قانون اساسی همانگونه که از اسمش پیدا است اصول اساسی بحث شود نه جزئیات. برای نمونه وی در تفسیر آیه ۱۹۶ سوره بقره «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ» (اما اگر کسی مریض بود یا در سر کسی ناراحتی وجود داشت و بنابراین سرش را تراشید باید به عنوان فدیة روزه بگیرد یا صدقه بدهد یا قربانی کند) آورده‌اند که: از حدیث معلوم می‌شود که در چنین صورتی رسول‌الله (س) دستور سه روز روزه گرفتن یا شش مسکین را غذا دادن یا دست کم قربانی کردن یک گوسفند را داده‌اند (مودودی، همان، ۱/۱۸۳).

هم‌چنین در توضیح کلیات آیه ۲۲۴ سوره بقره:

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ.

ترجمه: از نام خدا برای سوگندهایی که هدف از آنها خودداری از نیکی، تقوی و

کارهای مفید برای بندگان خداست، استفاده نکنید.

در تشریح کلیات آیه آورده است:

از احادیث معلوم می‌شود که اگر کسی سوگند یاد کرد که کاری را انجام ندهد اما پس از آن برای او روشن شد که خیر و خوبی در شکستن آن قسم است بایستی آن قسم را بشکند و کفاره بپردازد. کفاره شکستن قسم؛ غذا دادن ده (۱۰) مسکین، یا لباس دادن آنان، یا آزاد کردن یک برده یا سه روز روزه گرفتن است. (مودودی، همان، ۱/۱۹۹).

پس نتیجه گرفته می‌شود که باور وی به این مبنا، صادق و راسخ است و وی در باب توضیح کلیات قرآنی بارها و بارها به جریات و احادیث نبوی مراجعه نموده است و خود این ارجاع به تبیین و توضیح، دال بر اعتقاد به کلی گویی قرآن است.

### ۳-۲) حکیمانه بودن و جامعیت قرآن

حکیم بودن قرآن به معنای ابتدای آن بر منطق، حکمت و عقل است که به موجب آن، قرآن از هرگونه بی‌عقلی، بی‌منطقی و عدم حکمت به دور است (رشاد، نظریه/بیتاء، ۱۲۰-۱۰۱). باور مودودی به حکیمانه بودن قرآن، باوری یقینی و راسخ است و قرآن، مژده‌ای الهی و سرشار از حکمت از جانب پروردگاری حکیم است. وی در تفسیر اولین آیه سوره هود «الر کتابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» (الف، لام راء. فرمانی است که آیات آن با کمال استحکام و تفصیل بیان شده است) آورده است:

یعنی آنچه در این فرمان آمده است؛ قطعی و محکم و بی‌نهایت سنجیده و جدی است و به هیچ وجه، آنها را خطابه‌های آتشین و تخیل‌های شاعرانه‌ای که هیچ حقیقتی ورای آنها نیست نباید دانست (مودودی، تفهیم القرآن، ۲/۳۶۹).

در تفسیر آیه ششم سوره نمل «وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنَ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (و حَقّاً تَوْقُرْآنَ رَا از سوی حکیمی دانا دریافت می‌داری) نیز می‌گوید:

یعنی مطالبی که در این قرآن فرموده می‌شوند بی پایه و اساس و کاذب و مجازی نیستند و نه حدسیات یک انسان اند بلکه آنها را ذات حکیم و علیمی القا می‌کند که در حکمت و دانایی و علم و دانش کامل است و از مصلحت‌های خلق خود و از گذشته، حال و آینده آنان به طور کامل آگاه و با خبر است و بر اساس علم و حکمت خود، بهترین و مؤثرترین تدابیر را برای اصلاح و هدایت آنان بر می‌گزیند (همان، ۱۶۲/۴).

منظور از جامعیت **قرآن** آن است که **قرآن** کتابی جامع و فراگیر و در بردارنده تمام آموزه‌های دینی و هدایتی جهت راهنمایی و هدایت بشر است. مسلمانان قادر خواهند بود با استمداد از این کتاب و تعالیم آن به راه راست و صراط مستقیم الهی راه یابند. **قرآن** را از حیث هادی بودن جهت راهنمایی و هدایت بشر، کتابی جامع و کامل می‌داند که از کوچک‌ترین مسئله‌ای در این زمینه فروگذار نکرده است و راه حق و باطل را مشخص نموده است. وی در تفسیر آیه ۸۹ سوره نحل «وَوَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (ما این کتاب را بر تو نازل کرده ایم که روشنگر هر چیزی است) و در بیان معنای تبیان هر چیزی بودن **قرآن** می‌آورد: یعنی توضیح و تشریح هر آن چیزی که هدایت و ضلالت و فلاح و خسران به آن بستگی دارد و دانستن آن برای راست روی ضروری است و تفاوت حق و باطل را روشن می‌کند (مودودی، همان، ۶۲۸/۲).

هم‌چنین در تفسیر آیه ۱۱۱ سوره یوسف و عبارت « وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ » می‌گوید: یعنی تفصیل هرآن چیزی که برای هدایت انسان‌ها ضروری است (مودودی، همان، ۴۹۸/۲).  
پس از دیدگاه وی، **قرآن** کتابی جامع و در بردارنده تمام امور ارشادی و همه آموزه‌های هدایتی دین برای بشر است.

## ۴-۲) ارتباط مفاهیم **قرآن** با شرایط جامعه عصر نزول

**قرآن**؛ خود را محکم‌ترین راه برای هدایت بشر می‌داند و آیاتش را روشنگر راه بشر در تمامی مکان‌ها و زمان‌ها معرفی می‌کند. این کتاب مبین، با هدف راهنمایی جامعه انسانی عصر نزول، نازل می‌شود و اولین دستور کار آن، هدایت آنان است. از آنجایی که راهنمایی جامعه‌ای، نیازمند توجه به احوال و شرایط خاص حاکم بر آن جامعه است هدایتگر **قرآن** نیز آیاتش متناسب با همان وضعیت اجتماعی و شرایط خاص حاکم بر جامعه عصر نزول، نازل می‌گشت. انطباق آیات **قرآن** با اوضاع عصر نزول موجب می‌شود که تفسیر آیات بدون توجه به آن شرایط خاص، نامفهوم باشد و لازم است که مفسران به تاریخ عصر نزول و اسباب نزول و شأن نزول آیات، التفات کامل داشته باشند. این مبنا مورد توجه مودودی بوده است.  
مثلاً وی در تفسیر آیه اول سوره مؤمنون «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (به راستی که ایمان آورندگان

رستگار شدند) آورده است:

اهمیت و معنویت آغاز کلام با این عبارت را تا زمانی که بستر تاریخی‌ای که این خطاب در آن ایراد شده است مدنظر ما نباشد نمی‌توان درک کرد. در آن هنگام در یک سو، سرداران مکه مخالف دعوت اسلامی قرار داشتند که تجارتشان پررونق و مال و منالشان فراوان بود و از تمام امکانات رفاه و آسایش مادی برخوردار بودند. در طرف دیگر، پیروان دعوت اسلامی قرار داشتند که بیشترشان پیش از آن نیز فقیر و تهی دست بودند.» (همان، ۳/۳۹۴).

وی هم‌چنین در تفسیر آیه ۱۶ سوره محمد (ص):

وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنفًا

ترجمه: و از میان آنان کسانی اند که به سخنان تو گوش فرا می‌دهند ولی چون از نزد تو بیرون می‌روند از کسانی که نعمت علم بدانان داده شده است می‌پرسند که هم اکنون او چه گفت؟

با ذکر شأن نزول آن می‌نویسد:

این ذکر کافران، منافقان و منکران اهل کتابی است که می‌آمدند و در مجلس رسول الله (ص) می‌نشستند و ارشادات ایشان یا قرآن مجید را می‌شنیدند اما از آن جایی که دلشان از مضامینی که از زبان مبارک آن حضرت (ص) ادا می‌شد دور بود، از این رو با وجود شنیدن مطالب، گویا چیزی نشنیده بودند و پس از بیرون آمدن از نزد رسول الله (ص) می‌پرسیدند که هم اینک ایشان چه گفتند (مودودی، همان، ۵/۵۶۶).

پس مودودی یکی از ارکان داشتن تفسیر صحیح را توجه به اوضاع عصر نزول می‌داند و خود در تفسیرش بارها و بارها با رجوع به وقایع تاریخی عصر نزول از تاریخ عصر نزول و فرهنگ زمانه نزول قرآن بهره گرفته و با ذکر شئون و اسباب نزول آیات و نیز پدیده‌های از فرهنگ جاهلیت و واژگان رایج آن عصر، اعتقاد به ارتباط مفاهیم قرآن با فرهنگ جامعه عصر نزول را در تفسیرش عملی نموده است. از نمونه‌های بارز در این زمینه در تفسیر تفهیم القرآن، تبیین نامگذاری سور و تمرکز بر بیان پیشینه تاریخی و ذکر سبب نزول تاریخی سور قبل از

ورود به بحوث تفسیری است (غیاث الدین حافظ، *منهج الأستاذ المودودی فی تفسیره*، -۱۵- ۲۲).

### ۳. ضرورت و فایده رجوع به قرآن برای بشر امروز

#### ۱-۳ جهانی بودن قرآن

منظور از جهانی بودن قرآن آن است که قرآن کتابی با پیام و بُردی بین‌المللی است و این کتاب، منحصر و مختص به مکان، گروه و قوم خاصی نیست و برای تمام نسلهای بشر فرو فرستاده شده است تا آحاد نسل بشر از آن جهت ارشاد و هدایت خویش بهره ببرند. تبیین عقلی این مبنا به خاتم بودن رسول اکرم (ص) می‌انجامد و قرآن را به عنوان نسخه نهایی هدایت بشر به شمار می‌آورد. پیامد اعتقاد به جهانی بودن پیام قرآن آن است که مفسر آنرا کتابی با گنجایش و بُردی عالمگیر می‌داند و از طریق صحیح و فراگیر قرآنی به دنبال درمان تمامی مسائل و مشکلات عالم بشریت است و این کتاب را مختص به جغرافیا و قومی خاص نمی‌داند. ابوالاعلی مودودی با پذیرش این مبنا به جهانی بودن قرآن اذعان داشته و آنرا وسیله هدایت و نجات نسل بشر در تمامی اماکن و اعصار می‌داند.

وی در تفسیر آیه ۱۰۷ سوره انبیاء «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (ای پیامبر؛ فرستادن تو در اصل جز رحمتی برای جهانیان نیست) می‌نویسد: ترجمه دیگر آن این هم می‌تواند باشد که ما تو را برای جهانیان تنها رحمتی قرار داده ایم. در هر دو صورت، معنا این است که بعثت پیامبر (ص) در اصل رحمت و مهربانی خدا برای بشریت است. چرا که پیامبر (ص) دنیای غفلت زده را بیدار نمودند و به آن علمی ارزانی داشتند که فرق بین حق و باطل را روشن می‌کند و به روشی بطور کامل غیر مشتبه و واضح فرموده است که راه تباهی و هلاکت کدام راه است و راه سلامتی کدام راه (مودودی، همان، ۳/ ۳۱۰-۳۱۱). هم‌چنین در تفسیر آیه اول سوره فرقان و عبارت «لِيَكُونَ لِّلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (تا برای تمام جهانیان هشدار دهنده‌ای باشد) به نحو جامعی به مبناى جهانی بودن قرآن و پیام آن اشاره نموده است و در این باره آورده است: که "تا برای جهانیان هشدار دهنده‌ای باشد" نشان دهنده آن است که دعوت قرآن و رسالت محمد (ص)

تنها برای یک کشور نیست، برای تمام جهانیان است و تنها برای عصر خودشان نیست بلکه برای تمام اعصار آینده هم هست. این مضمون در جاهای متعددی از قرآن بیان شده است. برای مثال فرموده شده است: (یا ایُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا) «ای مردم من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم» [اعراف/ ۱۵۸] (وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَن بَلَغَ) «و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن همه شما را هشدار دهم و هم هر کس را که این به او برسد» [انعام/ ۱۹] (و ما أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا) «و ما تو را نفرستادیم مگر بشارتگر و هشداردهنده ای برای تمام مردم» [سبأ/ ۲۸] (مودودی، همان، ۱۲/۴).

### ۲-۳) نیازمندی متن قرآن به تفسیر

ویژگی معنایی دیگر قرآن، احتیاج متن قرآن به توضیح و تفسیر است. هدف نهایی از نزول قرآن، هدایت بشر است و قرآن به عنوان برنامه هدایت، شامل احکام کلی و کلیات آموزه‌های دینی است. این کلی‌گویی قرآن و درهم تنیدگی مطالب و احکام آن، ضرورت و نیاز به تشریح و توضیح آن را مضاعف نموده است تا مراد جدی خداوند برای عموم روشن گردد. بنابراین کتاب قرآن به دلیل جامعیت بر احکام کلان دین و اجمال و کلی‌گویی در موارد بسیاری (مثل آیات الاحکام) و هم چنین ذو وجوه بودن و ذوبطون بودن آیات و عبارات آن به تفسیر نیازمند است. مودودی، قرآن را کتابی نیازمند تفسیر و توضیح می‌داند و اقدام وی به کتابت تفسیر تفهیم القرآن در جهت اقناع و اغنای جامعه جوان تحصیل‌کرده امروزی و جبران کمبود مفسران و قرآن پژوهان گذشته (مودودی، همان، ۱/ ۵۵) مبین و روشنگر اعتقاد وی به این است که متن این کتاب نیازمند تفسیر و توضیح است.

در جهت ایضاح بیشتر مطلب باید گفت که قرآن به عنوان هدیه الهی، تفسیر آیات و سوره آن جهت هدایت بشر؛ امری حتمی، ضروری و فوری است. قرآن، حامل پیام الهی؛ چون مهم‌ترین و منشأ اولی جهت استنباط و استخراج احکام دینی است بنابراین اهمیت، ضرورت و فوریت تفسیر و توضیح متن آن ثابت می‌گردد. اهمیت و لزوم تفسیر قرآن، منشأ گرفته از موقعیت خاص قرآن در زندگی انسان است چون وصول به مقصود حقیقی زندگی انسان و حیات کمالی او، بدون بهره گرفتن از قرآن و مساعدت آن میسر نمی‌باشد. از این رو، تفسیر

قرآن به عنوان چراغ و روشنگر راه زندگی برای انسان ضرورت دارد تا با فهم و تفسیر صحیح آن، راه درست زندگی اش را تشخیص دهد و در پیچ و خم کوره راههای زندگی در مانده نشود. چنانچه قرآن پژوهان بر این ضرورت، اتفاق کرده‌اند و آن را به عنوان یکی از مبانی تفسیر قرآن پذیرفته‌اند (ایازی، مبانی و روشهای تفسیر قرآن کریم، ۴۷).

فوریت تفسیر و توضیح قرآن هم منشأ گرفته از موقعیت حساس این کتاب عزیز در میان منابع استنباط دستورات دین اسلام است که اولین مرجع و با اعتمادترین آنهاست چون تفسیر قرآن است که فهم آن را برای مخاطبانش میسر می‌کند و به تبع آن استخراج و استنباط دستورات دینی را مهیا می‌کند در حالیکه عدم توجه به تفسیر در گام دوم، توقف چرخ استخراج و استنباط احکام دینی را به دنبال می‌آورد. علامه مودودی هم با اعتقاد به این مبنا و در تفسیر آیه ۴۴ سوره نحل « وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ » (این ذکر را بر تو نازل کرده ایم تا برای مردم آموزه‌هایی را تبیین و تشریح کنی که برای‌شان فرو فرستاده شده است) می‌آورد:

در اینجا خدای بلندمرتبه حکمتی را که به جز با فرستادن انسانی به عنوان پیامبر برآورده نمی‌شد، بیان کرده است... اگر کسی چیزی از آن را نفهمید آنرا بفهماند، اگر کسانی شک و تردیدی داشتند شک و تردیدشان را رفع کند، اگر کسانی اعتراضی داشتند پاسخ اعتراضشان را بدهد... (مودودی، تفهیم القرآن، ۶۰۶/۲).

مودودی تفسیر را کاری مهم، ضروری و فوری می‌داند و به تبع اعتقادش، کتابت تفسیر تفهیم القرآن را مهم‌ترین کار حیات خویش می‌داند. پس اقدام به تفسیر توسط وی در سخت‌ترین شرایط زندگی و در میان مشکلات عدیده خانوادگی، اجتماعی و سیاسی و حتی بدترین روزهای زندان، دال بر آن است که مودودی تفسیر قرآن را عملی مهم، ضروری و فوری می‌دانسته است.

### ۳-۳) امکان تفسیر متن قرآن

خصوصیت دیگر معنایی قرآن، ممکن بودن تفسیر و امکان توضیح کتاب الهی است. متن کتاب الهی می‌تواند مانند دیگر کتب الهی و انسانی، توسط انسانی واجد و دارای شرایط تفسیر گردد. در قرآن حدود ۳۰۰ آیه هست که مردم را به تفکر، تدبیر و تعقل دعوت کرده است و حتی

در یک آیه از آنان نخواست است که قرآن و دستورات آن را نفهمیده و کورکورانه پیروی کنند (میرشمسی، «حجیت ظواهر آیات قرآن کریم»، ۱۴۷-۱۶۸). تفسیر قرآن نیز در طول تاریخ امری رایج بوده است و حتی در سال‌های اولیه نزول قرآن مانعی نداشته است و خود پیامبر (ص) در جایگاه اولین مفسر قرآن کریم ظاهر شده است و در این زمینه اکابر اصحاب نیز دنباله روی بوده‌اند که این گواه تاریخی، دلیلی واضح بر امکان تفسیر قرآن در تمامی اعصار پس از آن است. آیات قرآن هم در مواضع متعدد، از جمله آیه ۱۲ سوره یوسف؛ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (به درستی که ما آن (کتاب) را (به صورت) خواندنی عربی نازل کردیم تا شما درک کنید) دال بر همین مبنا است. هم‌چنین لازمه ایصال به هدف نهایی قرآن که همانا هدایت و راهنمایی انسان‌ها است دارا بودن قابلیت تفسیر و امکان توضیح آن است تا برای همگان مفهوم باشد به گونه‌ای که با کسب مهارت‌های خاص و یادگیری مبانی، اصول و ضوابط این علم بتوان به تفسیر و تبیین کتاب الهی پرداخت. مطلبی که قرآن پژوهان امروزی آن را پذیرفته و با عناوینی هم چون امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن (مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ۴۱) و قابل فهم بودن قرآن (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱/۱۳۴) از آن نام برده و آن را تبیین و ثابت نموده‌اند. مودودی هم، تفسیر را شاخه‌ای از شاخه‌های علوم قرآنی می‌داند و قرآن را کتابی قابل فهم و قابل توضیح می‌داند. او در تفسیر آیه ۱۷ سوره قمر «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (به تحقیق قرآن را برای ذکر (پند گرفتن) آسان نمودیم. پس آیا پند گیرنده‌ای هست؟) و میگوید: برخی از الفاظ (یسرنا القرآن) این برداشت نادرست را کرده‌اند که قرآن کتابی آسان است و برای فهمیدن آن نیازی به علم و دانش خاصی نیست... (مودودی، تفهیم القرآن، ۱۶/۲۰۵). براساس همین عقیده است که مودودی پای در وادی مفسرین گذاشته است و باور به امکان تفسیر قرآن را عملی نموده است.

## نتیجه

این مطالعه برای آن بود تا مبانی تفسیری سید ابوالاعلی مودودی در تفسیر تفهیم القرآن را مشخص کنیم و اطلاعاتی کلی پیرامون این تفسیر ارائه دهیم. با توجه به بررسی‌های به عمل

آمده تمام سعی وی آن است که بین مسائل امروزی و آیات قرآن تطابق و تناسب بیابد و قرآن را برای مردم و بویژه تحصیل کردگان متوسط جامعه امروزی مفهوم نماید که در این زمینه به موفقیت بسیار نزدیک شده است به گونه ای که مبانی تفسیری مورد کاربرد وی، مبانی مقبول اکثریت مفسران فریقین بوده و نقش این تفسیر در تربیت اجتماعی و تقریب مذاهب اسلامی، مبرهن و روشن است.

از آن جاکه لازمه هر تفسیر صحیحی، داشتن مبانی متقن و مقبول است مودودی با بکارگیری مبانی صحیح تفسیری به کتاب تفسیری خویش و جاهتی جهانی بخشیده است که وجود ترجمه های متنوع از آن به زبانهای زنده دنیا شاهدی قوی بر موفقیت وی در این عرصه است که این ترجمه ها و شهرت عالمگیر، روز به روز در حال توسعه و شیوع است که مهم ترین علل این موفقیت، بهره گیری از مبانی تفسیری صحیح است.

مهم ترین و کاربردی ترین مبانی صحیح تفسیری وی در تفسیر تفهیم القرآن به ترتیب عبارتند از: تحریف ناپذیری قرآن و صحت همه مطالب آن، حکیمانه بودن قرآن، فصاحت قرآن، دقت لفظی قرآن، بلاغت قرآن، کامل و تمام نبودن معنای برخی آیات، جامعیت قرآن، جهانی بودن قرآن، نیازمندی متن قرآن به تفسیر، امکان تفسیر متن قرآن، اهمیت، ضرورت و فوریت تفسیر متن قرآن، تعدد لایه های معنایی قرآن، کلی گویی قرآن و ارتباط مفاهیم قرآن با شرایط جامعه نزول. در مجموع می توان نتیجه گرفت که مبانی تفسیری مورد کاربرد ابوالاعلی مودودی در تفسیر تفهیم القرآن؛ مقبول، معتبر و قابل اتکاء است.

## منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۶ش.
- ۲- ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق اللغویه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ق.
- ۳- امیرخانی، علی، «ابوالاعلی مودودی و جریان نوسلفی گری»، معرفت کلامی، شماره ۳، ۱۳۸۹ش.
- ۴- ایازی، سید محمدعلی، قرآن و تفسیر عصری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ش.
- ۵- ایازی، سید محمدعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن کریم، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۸ش.
- ۶- ترابی، الیف‌الدین بن عالم‌الدین، الاستاذ ابوالاعلی المودودی و منهجه فی تفسیر القرآن الکریم، مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۰۲-۱۴۰۳ق.
- ۷- تیموری بازگری، مهدی، نقد و بررسی اندیشه‌های سید ابوالاعلی مودودی، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۸ش.
- ۸- حقیقت‌نیا، محمود، ابوالاعلی مودودی و منهجه التربوی فی تفسیره تفهیم القرآن، تهران، انتشارات طیبین، ۱۳۹۸ش.
- ۹- خورشید، احمد، یک کتاب انقلاب، لاهور، اداره منشورات، ۱۹۹۲م.
- ۱۰- رستم‌نژاد، مهدی، «گونه شناسی روایات تفسیری»، حسنا، شماره ۱، ۱۳۸۸ش.
- ۱۱- رشاد، علی‌اکبر، نظریه ابتناء، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۹ش.
- ۱۲- رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن ۱، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۴۴۰ق.
- ۱۳- شاکر، محمدکاظم، «جستاری در زبان قرآن»، مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، ۱۳۸۰ش.
- ۱۴- عبدالحی، سعید، ابوالاعلی مودودی فی سطور، قاهره، مجلة الازهر، ۱۹۸۱م.
- ۱۵- غیاث‌الدین حافظ، محمد، منهج الأستاذ المودودی فی تفسیره، بنگلادش، الجامعة

- الأسلامية العالمية شيئا غونغ، ۲۰۰۶م.
- ۱۶- گیلانی، اسعد، *نگاهی به احوال، آثار و افکار سید ابوالاعلی مودودی*، ترجمه نذیر احمد سلامی، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۰ش.
- ۱۷- مودودی، سید ابوالاعلی، *اصطلاحات چهارگانه در قرآن*، ترجمه سامان یوسفی نژاد، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۵ش.
- ۱۸- مودودی، سید ابوالاعلی، *تفهیم القرآن*، ترجمه عبدالغنی سلیم قنبرزهی، تهران، نشر احسان، ۱۳۹۸ش.
- ۱۹- مودودی، سید ابوالاعلی، *تئوری اخلاقی اسلام*، ترجمه سید ابراهیم علوی، تهران، کانون انتشارات جیبی، ۱۳۵۵ش.
- ۲۰- مودودی، سید ابوالاعلی، *خطبات*، لاهور پاکستان، اسلامک پبلی کیشنز، ۱۹۴۰م.
- ۲۱- مودودی، سید ابوالاعلی، *خطبه های نماز جمعه*، ترجمه آفتاب اصغر، پاوه، بیان، ۱۳۷۰ش.
- ۲۲- مودودی، سید ابوالاعلی، *نهضت و منسوبین آن*، ترجمه کلیم الله متین، لاهور، دارالعروبه الاسلامیه.
- ۲۳- موسوی، مهدی، *ابوالاعلی مودودی: فکرة السياسی و تجربته الاجتماعیه*، بیروت، مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامیه، ۲۰۱۸م.
- ۲۴- مؤدب، سیدرضا، *مبانی تفسیر قرآن*، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۹۰ش.
- ۲۵- میرشمسی، صدیقه، *حجیت ظواهر آیات قرآن کریم، مقالات و بررسی ها*، سال ۷۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳، صص: ۱۴۷-۱۶۸.
- ۲۶- نقوی، سید علی محمد، *تفسیر و مفسران در هند، دهلی نو*، انتشارات رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳ش.
- ۲۷- هاشمی، احمد، *ترجمه و شرح جواهر البلاغه*، ترجمه حسن عرفان، قم، نشر بلاغت، ۱۳۸۹ش.
- 28- Maudoodi, Sayyid Abul Aala, *Our Message*, Pakistan Lahore, Islamic Publication, 1998.
- 29- Sunaga, Emico, *characteristics of the Quranic Interpretations in the Urda Language: From Shab Wali Allah to Maududi*, Japan: Center for

Southeast Asian Studies, Kyoto University, 2010 .

## Bibliography

- 1- The Holy *Qur'an*; Arabic text, and also the Persian translation of Moḥammad Mahdī Fūlādvand, Tehran, Office of Islamic History and Theology Studies, 1376 SAH.
- 2- 'Abdul-Ḥay, Sa'īd, *Abul-Aala Maudoodi fi Suṭūr*, Cairo, al-Azhar Magazine (Nūr Al-Islām), 1981 [Arabic].
- 3- Ābu Hilāl Askarī, Ḥasan b. 'Ābdullāh, Jumḥurat al-'Amthāl, Beirut, Dār al-Jeīl, 1988 [Arabic].
- 4- Alif al-Dīn Turābī b. 'Ālam al-Dīn al-Qurayshī, *al-Ustādh Abul-Aala Maudoodi wa Minbajubū fi Tafṣīr al-Qur'an al-Karīm*, Mecca, Jāma'a Um al-Qurā, 1402-1403 AH [Arabic].
- 5- Al-Mūsawī, Mahdī, *Abula'la Mudūdi; Fikrubū al-Sīyāsī wa al-Tajrobatubū al-Ijtīmā'iyya*, Beirut, al-Fikr al-Islāmīya, 2018 [Arabic].
- 6- Amīrkhānī, 'Alī, "Abul-Aala Maudoodi and NeoSalafism Movement", *Ma'rafat-e Kalāmī*, vol. 3, 1389 SAH [Persian].
- 7- Ayāzī, Moḥammad 'Alī, Basics and Methods of Holy Qurān Interpretation, Islamic Azad University, Science and Research branch, 1388 SAH [Persian].
- 8- Ayāzī, Moḥammad 'Alī, *Qur'an and al-Tafṣīr al-'Aṣrī*, Tehran, Daftar-e Nashr-e Farhang-e Eslāmī, 1378 SAH [Persian].
- 9- Ghīyāth al-Dīn Ḥāfiz, Muḥammad, *Minbaj al-Ustādh al-Maudoodi fi Tafṣīribī*, Bangladesh, al-Jāmi'a al-Islāmīya al-'Ālamīya, Dirāsāt, 2006 [Arabic].
- 10- Gīlānī, As'ad, *A Review of the Status, Works and Thoughts of Sayyid Abul-Aala Maudoodi*, translation by Nadhīr Aḥmad Salāmī, Tehran, Ehsān, 1380 SAH [Persian].
- 11- Ḥaqqatniyā, Mahmūd, *Abul-Aala Maudoodi wa Minbajubū al-Tarbawī fi Tafṣīribī Tafḥīm al-Qur'an*, Tehran, T'ayyibīn, 1398 SAH [Arabic].
- 12- Hāshimī, Aḥmad, *Jawābir al-Balāgha*, ed. Ḥasan 'Erfān, Qom: Balāghat, 1382 SAH [Arabic].
- 13- Khorshīd, Aḥmad, *A Book of Revolution*, Lahore, Mansūra Department, 1992.
- 14- Maudoodi, Sayyed Abul-Aala, *Khuṭabāt*, Lahore, Islamic Publications, 1940 [Urdu].
- 15- Maudoodi, Sayyed Abul-Aala, *Khuṭbibāyi Namāz Jom'a (Friday Pray Sermons)*, translations by Āftāb Aṣghar, Pāve, Bayān, 1370 SAH

- [Persian].
- 16- Maudoodi, Sayyed Abul-Aala, *Moral Theory of Islam*, translation by Sayyed Ebrāhīm ‘Alavī, Teran, Kānūn Enteshārsāt Jibī, 1355 SAH [Persian].
  - 17- Maudoodi, Sayyed Abul-Aala, *Quadruplet Terminology in the Qurān*, translation by Sāmān Yūsefinezhād, Tehran, Eḥsān, 1385 SAH [Persian].
  - 18- Maudoodi, Sayyed Abul-Aala, *Tafbīm al-Qur’ān*, translation by ‘Abdulghānī Salīm Qanbarzihi, Tehran, Eḥsān, 1398 SAH [Persian].
  - 19- Maudoodi, Sayyed Abul-Aala, *The Movement and its Associates*, Translation by Kalimullāh Matīn, Lahore, Dār al-‘Urūbi al-Islāmīya, no date [Persian].
  - 20- Maudoodi, Sayyid Abul-Aala, *Our Message*, Pakistan Lahore: Islamic Publication, 1998.
  - 21- Mīrshamsī, Şeddīqe, *Authoritativeness of Exoteric Aspects of Qurān*, Articles and Studies, 1383 SAH [Persian].
  - 22- Mo’addab, Sayyed Reḏā, *Methods of Interpretation of the Quran*, Qom, Eshrāq, 1390 SAH [Persian].
  - 23- Naqavī, Sayyed ‘Alī Muḥammad, *Interpretation and Commentators in India*, New Delhi, Cultural Consultation of the Embassy of the Islamic Republic of Iran, 1393 SAH [Persian].
  - 24- Rashād, ‘Alī Akbar, *Ibtinā’ Theory*, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1389 SAH [Persian].
  - 25- Reḏāyī Esfahanī, Moḥammad ‘Alī, *Manteq Tafsīr Qur’ān*, Qom, Jāmi‘a al-Muṣṭafā, 1395 SAH [Persian].
- Rostam Nezhād, Mahdī, *Methodological Tendency on Interpretive Narrations of Household (pbuh), Ḥusnā*, vol. 7, 1389 SAH [Persian].
- 26- Shāker, Moḥammad Kāzīm, “A Study on the Language of the Qurān”, *Scientific-research journal of Faculty of Literature and Human Sciences, University of Isfahan*, vol. 2, 1389 SAH [Persian].
  - 27- Sunaga, Emico, *characteristics of the Quranic Interpretations in the Urda Language: From Shab Wali Allah to Maududi*, Japan: Center for Southeast Asian Studies, Kyoto University, 2010.
  - 28- Teymūrī Bāzgarī, Mahdī, *Criticism and Analysis of the Thoughts of Sayyid Abul-Aala Maudoodi*, Tehran, Iḥsān, 1388 SAH [Persian].